

## عنوان مقاله:

کار بست دانش بدیع در استنباط با تکیه بر آراء و آثار دانشمندان یکصد سال اخیر حوزه علمیه قم

## محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات زبان و ادبیات عربی، دوره 1، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

محمد علی جوان - دانش آموخته سطح چهار رشته رجال الحدیث، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

محمدحسن ربانی بیرجندی - استادیار گروه فقه و مبانی اجتهاد، مرکز تخصصی فقهی آخوند خراسانی، مشهد، ایران.

## خلاصه مقاله:

علوم ادبی از پیش نیازهای اجتهاد است؛ اما درباره تعداد و عناوین علوم ادبی ای که پایه و اساس اجتهاد است، اختلاف است. برخی از فقها، هیچ یک از علوم بلاغی را از علوم پایه اجتهاد نمی دانند، همان طور که بیشتر موافقان ضرورت علوم بلاغی برای اجتهاد، دانش بدیع را از این ضرورت استثنا کرده اند. در مقابل این دو گروه، گروهی از دانشمندان علوم اسلامی و خصوصا عده ای از فقهای معاصر حوزه علمیه قم بر آنند که نه تنها علوم معانی و بیان، بلکه علم بدیع نیز از پیش شرط های لازم برای اجتهاد می باشد. آنان ضمن نقد دیدگاه مخالفین، در صدد ارائه استدلال عقلی بر ضرورت بدیع برای اجتهاد نیز بر آمده اند. علاوه بر این استدلال که در مباحث اصول خویش، عرضه کرده اند؛ مراجعه به آثار فقهی این بزرگان ما را به این نتیجه می رساند که در جایگاه های متعددی از فقه خویش به قواعد دانش بدیع استدلال نموده اند یا با استفاده از این دانش به نقد نظر مخالف نشستند. این نوشتار با تکیه بر آثار برخی از بزرگان حوزه علمیه قم در دهه های اخیر، ضمن نقد ادله مخالفان، استدلال ضرورت دانش بدیع برای اجتهاد را توضیح می دهد و با آگاهی از اینکه تا کنون کسی، رد پای دانش بدیع و آرایه های آن را در عملیات استنباط فقهی و اصولی گزارش نکرده است، نمونه هایی از استشهاد به آرایه های توریه و استخدام و مشاکله و تصحیف و جناس را، از لابلای متون فقهی و اصولی تدوین شده در حوزه علمیه قم در یکصد سال اخیر، گزارش می کند.

## کلمات کلیدی:

بدیع، استخدام، توریه، مشاکله، جناس، تصحیف، بلاغت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1990282>

